

تحلیل و بررسی طراحی موزه با رویکرد معماری زمینه گرا

مهران باقریان

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه شهبا دانش قم.

نام نویسنده مسئول:

مهران باقریان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳

چکیده

اقلیم به عنوان یکی از ارکان اصلی محیط طبیعی تاثیر شگرفی در نوع اشکال، فرم و معماری منظر دارد، طوری که ایده های شکل دهنده ی فرم معماری هر مکان متناسب با شرایط آب و هوایی و اقلیمی آن مکان سازمان دهی می شوند. «گونه در نگاه اقلیمی یک شی است که ویژگی های مشترک معماری-اقلیمی گروهی از بناها را در یک اقلیم مشابه دارا می باشد قابل توجه است که اقلیم علاوه بر تاثیرات عمیقش بر نگرش خلق فرم، فضا و گونه های مختلف معماری مکان، ارتباط مستقیمی با فرهنگ، خلق و خو، عادات و رفتارهای ساکنین آن مکان دارد. به طور مثال در مناطق کویری و در حوزه ی اقلیمی گرم و خشک به دلیل گرمای بیش از حد و رطوبت بسیار کم هوا معمار سعی می کند تا با خلق فرمی فشرده، درونگرا و ایجاد یک خُرده اقلیم در داخل بنا، فضا های زندگی را به حد آسایش انسان برساند، همین امر موجب ایجاد نوعی محرمیت و حفاظت از بنا و انسان در برابر شرایط آب و هوایی و محیطی می گردد. این درونگرایی به وجود آمده تأثیرات رفتاری و روانی بر انسان می گذارد، در نتیجه خلق و خو و عادات انسان متأثر از اقلیم و معماری می باشد، امری که در معماری زمینه گرا باید به آن توجهی ویژه داشت. بنابراین اقلیم تأثیری شگرف بر معماری می گذارد و در ادامه فرهنگ جامعه و مردم متأثر از معماری و شرایط زیستن در آن است، زیرا معماری با امر زیست -جهان و با روزمرگی انسان در ارتباط است.

واژگان کلیدی: موزه - معماری - معماری منظرگرا.

مقدمه

در جهان، هر سال بر تعداد موزه ها افزوده میشود. این افزونی روبه رشد، گویای اهمیت موزه در اجتماع کنونی است و نشان دهنده نقش حساسی است که این موزه ها در جهت آموزش و تکمیل آگاهیهای انسان دارند، موزه جایگاهی برای تحقیق در میراث فرهنگی، و وسیله ای برای تداوم فرهنگ است. گشت و گذار در موزه ها بیننده را میتواند به درک چگونگی انتقال فرهنگ از گذشتگان به آینده گان قادر سازد و اقتباس فرهنگی را در میان جوامع مختلف و شکل گیری تمدن جدید را به آنها بشناساند و به آنان این فرصت را بدهد که با دستیابی به آگاهیهای فرهنگی که از دیدار موزه حاصل میشود طرح بنای تازه ای را از دستاوردها و ارزشهای نوین تمدن و فرهنگ پی افکنند. هدف از این تحقیق این است تا ضمن فراهم کردن بستری مناسب برای حفظ و نگه داری میراث باستانی، از طریق بازیابی هویت معماری بومی و سنتی و همچنین پیوند معماری با شهر و اجتماع، و معماری مدرن جهانی زمینه حضور بیش از پیش مردم را در فضاهای فرهنگی و موزه ها فراهم آوریم و اثر بی بدیل خلق نماییم تا غیر از هدف موزه یک اثر ماندگار باشد. روش این تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است. خورشید، تاریکی و ظلمت، نور و رهایی آن از ظلمت به عنوان کلیدواژه های طراحی می تواند در طراحیهای معماری برگزیده شود تا مفهوم رهایی نور از ظلمت در یک حجم فرم گرا به نمایش در آید. با توجه به ادبیات موضوع و مطالعات انجام شده در مورد معماری زمینه گرا، موضوعات عنوان شده مفاهیم ایده هایی هستند که از میان تحلیل های اولیه انتخاب شده اند. تحلیل بناها، از طریق نگاه بیرونی مولف به نمونه ها، با استناد به مطالعات انجام شده و نظریه های معماران زمینه گرا که هدف آن دستیابی به آن دسته از عوامل معماری است که در ارتباط متقابل بین بنا و زمینه نقش دارند، و همچنین بررسی اولویت و میزان تاثیر هر کدام از آن ها در میزان موفقیت زمینه گرایی یک بنا می باشد.

هدف تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی داده ها و اطلاعات پژوهش ب به شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است و هدف از این پژوهش این است که بتوان با الهام گرفتن از اطراف و مناظر طبیعی بتوان موزه را به گونه ای طراحی کرد که هم اصول طراحی معماری را در بر داشته باشد و هم بتواند بین مکان موزه و عناصر بصری و ناظر ارتباط تنگاتنگی برقرار کند.

معماری

معماری یکی از آثار شاخص و دست ساخته بشر است که نحوه شکل گیری آن را می بایست در تاریخ و آداب زندگی جوامع پیگیری کرد. معماران گذشته با پیروی از یک "سنت هنری" از حدود فردانیت فراتر رفته و وحدت اورگانیک کاملی را در آثارشان به نمایش گذارده اند. سرعت، کثرت و شتاب زندگی که از ویژگی های ذاتی عصر ماشین است، منجر به از هم پاشیدگی تار و پود ساختار اجتماعی جوامع سنتی، اصالت و ژرفای فرهنگ شده است. قطع ارتباط با گذشته از یک سو و عدم خودباوری و چشم دوختن به مکتب های روزآمد غربی از سوی دیگر موجب شکل گیری شهرهایی شده است که در آن، به تعداد معماران شاهد روایت و الهامات گوناگون و در تضاد با هویت فرهنگی محیط می باشیم. اکنون پس از گذشت ده ها و از حفظ هویت ملی و شأن «دست دادن استعدادها و فرصت های فراوان، جوامع بشری به این نتیجه رسیده اند که به منظور برقراری ارتباط با گذشته و تبعیت از "روحیات ویژه هر منطقه" لازم و ضروری است. عدم باور قلبی و آگاهی « جایگاه انسانی لازم نسبت به این مهم سبب شده تا نتایج بدست آمده اندک و در برخوردهای شکلی خلاصه گردد. در این تحقیق سعی شده « اصالت هویت بخش خود » با تأمل در "حقیقت هویت معماری" و با استفاده از حوزه مطالعات کتابخانه ای، معماری را به انسان و منظر نزدیک کنیم. نتیجه این که، معماری و هویت فرهنگی، که توسط منظر به یکدیگر ارتباط داده میشوند عامل وابسته به هم می باشند که هر یک نقش علت و معلول دیگری را ایفا می کند. اگر خواهان بازگشت به خویشتن خویش می باشیم، ابتدا می بایست جامعه به این باور ناآل آید که معماری به خودی خود، یک ساختمان نیست، بلکه یکی از مظاهر نمایان تمدن و پدیده ای فرهنگی ملی است. اگر این مهم به بار نشیند، آنگاه جامعه خود همه چیز را خواهد ساخت. (همتی، ۱۳۹۱).

موزه

سرزمین ایران با توجه به قدمتش دارای فرهنگی اصیل می باشد. امروزه با ورود فرهنگ های بیگانه و عدم شناخت و آگاهی از این تمدن غنی شاهد تغییراتی تدریجی و مستمر می باشیم. موزه کانونی است برای پرورش همه انسان ها از طریق مشارکتشان در خلاقیت و تداوم فرهنگی، گرچه جایگاهی به منظور شناخت، گردآوری، نمایش و نگهداری و مطالعه آثار دوران گذشته در زمینه های فرهنگ و تمدن، علم و صنایع و فنون به شیوه ای علمی است، اما رمز موفقیت آن زمانی میسر است که با جامعه در تماس دائم باشد و به زبان حال تعبیر شود. موزه مکانی است که به فرد القا می کند به چه چیز و چگونه بیندیشد. موزه ها مکان هایی هستند که تاریخ را شکل می دهند. مجموعه هایی که تاریخ را جمع آوری نموده و به نمایش در می آورند. بنابراین موزه ها می توانند در سیر تحول فرهنگی- اجتماعی جامعه نقش بسیار مهمی ایفا نمایند. لذا ایجاد یک موزه باید بر پایه اساسنامه فرهنگی استوار باشد و ضوابط معینی چون نیاز فرهنگی، ارزش دینی، تاریخی، جهانگردی، گستره جغرافیایی، نزدیکی به مراکز علمی، فرهنگی، ملاک های ایجاد آن باشد. هم چنان که می دانیم معماری ظرفی است برای نمایش فرهنگ، تاریخ، هنر و به طور کلی هویت یک قوم. پس در طراحی موزه بایستی تناسب طرح های معماری، همگون با هویت فرهنگی منطقه و برگرفته از طبیعت منظر در نظر گرفته شود. در این صورت موزه می تواند به عنوان یک مرکز فرهنگی، نقشی موثر در حفظ و تقویت فرهنگی داشته باشد. بین زیبایی یک مکان و سایر ویژگیهای ارتباط دهنده یک مکان با انسان (مانند معنا، هویت، دل بستگی به مکان) ارتباط نزدیکی وجود دارد و هر دو متأثر از عوامل ادراکی مشابهی هستند با این حال در ادبیات هنر و معماری متغیر های مربوط به زیبایی و متغیر های مربوط به ارتباط با مکان به طور جدا دارای اهمیت هستند (کیانی، ۱۳۸۱). گالیندو (2005.galindo) از محدود افرادی است که با بررسی نظریات مردم، ارتباطی بین معانی محیطی و زیبا شناسی سازه برقرار می کند و متغیرهایی مانند غنای بصری، روشنایی، تاریخ مکان و گشایش فضایی را به عنوان متغیرهای مکانهای زیبا و معنی دار معرفی می کند.

معماری منظر گرا

هر اثر معماری باید متأثر از ارزش ها، نگرش ها، اعتقادات و بطور کلی زمینه ی فرهنگی جامعه ای باشد که ساختمان در آنجا بنا می شود در غیر این صورت ارتباط لازم بین انسان و بنا برقرار نمی شود. پیش بینی می شود که اگر بنا برگرفته از بستر فرهنگی و اجتماعی و کالبدی خود باشد با هویت مخاطب و استفاده کننده هماهنگی داشته و احساس عزت نفس و تعلق را به مخاطب القا می کند. در این تحقیق سعی بر آن بود تا با بررسی معماری زمینه گرا و بسترهای فکری موثر بر پیدایش آن در معماری پست مدرن، امکان شکل گیری این رویکرد و ابعاد مختلف آن را شناسایی کنیم. نتایج و بررسی نمونه های موردی نشان می دهد که این بناها در تعامل با بستر طرح خود می باشند. مولفه هایی همچون فرم، شکل، ترکیب مصالح، تعادل، مقیاس بنا، تناسبات و پیوستگی حرکت در نما، استفاده از الگو های هندسی و طبیعی، ارتباط با بستر طرح در نمونه ها به صورت مشترک دیده می شود. پس از آن عواملی مانند توجه به تاریخ، فرهنگ و سنت ها، هویت، حس تعلق به مکان و... در اولویت های بعدی هستند. با توجه به بررسی هایی که صورت گرفت، می توان این نتیجه را استنباط کرد که؛ در طراحی موزه ها در ایران با بهره گیری از معماری سنتی ایران و مصالح بومی، با توجه به پیشینه ی تاریخی پرباری که این مرز و بوم دارد، همچنین با در نظر گرفتن ویژگی های فرهنگی و اجتماعی مردم که برگرفته از فرهنگ ایرانی- اسلامی می باشد و نیز شرایط اقلیمی و جغرافیایی متنوعی که در ایران وجود دارد، می توان از این ویژگی به شکلی مناسب در طراحی معماری موزه ها بهره گرفت

ارتباط معماری و منظر در طراحی فضاهای موزه

حضور منظر در فضاهای معماری و شهری از جمله طراحی موزه ها از راههای گوناگون صورت می گیرد که برای نمونه می توان به حضور آن به شکل عناصر، نقش ها و تزئینات، ترکیب های حجمی یا ترکیب هایی خاص در پلان اشاره کرد. هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری وظیفه عینیت بخشیدن یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود را دارد. (طلایی، ۱۳۸۷).

پیشنهادهای طراحی با رویکرد معماری زمینه گرا

با توجه به رویکرد پژوهش که زمینه گرایی می باشد، پیشنهادات زیر مطرح می گردد:

- بهره گیری از عناصر معماری بومی و سنتی منطقه و تلفیق آن با معماری مدرن)
- ترکیب سطوح و احجام هندسی و طبیعی
- بهره گیری از ریتم، سلسله مراتب و سیالیت فضایی
- احترام به سنت و فرهنگ کهن و باز زنده سازی اندیشه آن برای ارتباط با محیط کالبدی یک اثر معماری.
- احترام به سایت و پوشش گیاهی و حفظ تعادل و هماهنگی با بستر طرح
- نورپردازی مناسب طبیعی و مصنوعی و ایجاد تهویه طبیعی.
- تعامل انسان با محیط با ایجاد سرزندگی و امنیت در فضا.

زیبایی، معنا و هویت مکان

از نظر کالن باید مکان با حرکت در هم آمیزند و ادراک زیبایی در حین حرکت بر جنبه های ادراکی - احساسی اشخاص تاکید داشته باشد از نظر او ادراک زیبایی یعنی ادراک معنا، نشانه ها و نمادها، علاوه بر آن که در ترجیحات زیبا شناسی دارای اهمیت هستند مشخص کننده خصوصیات ارتباط مردم با مکان نیز می باشند. هویت مکان به عنوان یکی از راههای ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکرد ها، نشانه ها، فرمها و نمادهای شهری و ویژگیهای بصری و کالبدی ادراکی می گردد بنابر این به لحاظ نظری با جنبه های زیبایی یک مکان ارتباط می یابد. از طرفی می توان هویت مکان را به دو جنبه مختلف تقسیم نمود: ابعاد درونی و بیرونی ادراک مکان. ابعاد درونی شامل درک هویت مکان از طریق تعلق فرد به گروه یا اجتماع خاص (بعد شناخت اجتماعی مکان)، و ادراک هویت مکان از طریق تشابه با ارزش های خویشتن خویش (مکان انعکاسی از شخصیت خود) می باشد. بعد بیرونی ادراک هویت مکان از طریق تمایز بادیگر مکانها (بعد شخصیتی مکان - چگونگی تضاد با زمینه) نمود می یابد. هویت مکان از ارزشهای فردی و جمعی نشأت می گیرد و با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می یابد. بنابر این می توان بین معماری، مکان، و هویت فرهنگی ارتباط برقرار کرد و بیان نمود که تجربه مکان تجربه معنای مکان است و تجربه زیبایی در حقیقت تحسین معناست.

تعریف فضا در طراحی های معماری

فضا: به معنای عام واقعیتی است رارای ویژگیهای هویتی مشخص و معین، نتیجه بر داشت های آدمی از فضا از تجربه های ذهنی - شخصی - فرهنگی - اجتماعی او تاثیر پذیر است. لذا یک فضای معماری در مفهوم کلی نشان دهنده خصوصیات اصلی فرهنگی و سرزمینی آن است. نوع و کارکرد بنا نیز موثر است. باید توجه داشت که توجه عمیق به مفهوم روح کلی - فهم اصول و مبانی آن و بکارگیری این اصول به خصوص در جهت تداوم و تکامل معماری گذشته و حال است. درک انسان از فضا ایستائیس این احساس پویاست. به این دلیل که به عمل مربوط می شود یعنی آنچه که میتوان در یک فضایمعیین انجام داد، نه آنچه که با دید غیر فعال دیده می شود.

منابع و مراجع

- [۱] بانی مسعود، امیر، پست مدرنیته و معماری: بررسی جریان های فکری معماری معاصر غرب، ۱۳۳۱ اصفهان، نشر خاک.
- [۲] تولایی، نوین، زمینه گرایی در شهرسازی، شماره دو، مجله هنرهای زیبا، ۱۳۳۱.
- [۳] باری، آیلار، طراحی توسعه ساختمان موزه ایران باستان با رویکرد زمینه گرایی، ۱۳۱۲ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.
- [۴] حدیدی، حامد، طراحی مرکز همایش های ادبی ایران با رویکرد معماری زمینه گرا، ۱۳۱۱ پایان نامه، دانشگاه گیلان، دانشکده معماری و هنر، کارشناسی ارشد.
- [۵] شریفیان، محمد امین، جهانیان، پدرام، بررسی ضرورت توجه به مولفه فرهنگی در طراحی معماری زمینه گرا بر مبنای رویکرد انسان شناسی آموس راپاپورت، همایش ملی معماری و شهرسازی انسان گرا، ۱۳۱۲.
- [۶] شولتز، نوربرگ، روح مکان به سوی پدیدار شناسی معماری، ۱۳۳۳ ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران، نشر رخداد نو.
- [۷] شیرازی، محمدرضا، زمینه گرایی و منطقه گرایی در معماری، ۱۳۳۳ سال اول، شماره ۳، ماهنامه مهندسی زیر ساخت